



ادبیات

از گذشته‌های بسیار دور، زمانی که **انسان**، با پدیده‌های ناشناخته و عجیب روبرو می‌شد، به دنبال چاره‌ای بود تا راهی برای آرامش روح و رفع نیاز فطری خود به **معنویت** (ارتباط با **آسمان** و **غیب**) و **زیبایی** (درونی و بیرونی) بیابد، تا این‌که به تدریج آموخت که از طریق آیین‌های پرستش و با توسل به صوت و کلام و آواهای موزون و ادبیات منظوم (آهنگین)، می‌تواند به مقصود خود برسد.

فهرست مندرجات

- ۱ - ادبیات در آثار قدیمی
- ۲ - ماهیت ادبیات
- ۳ - رسالت ادبیات
- ۴ - منابع برای مطالعه بیشتر
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

ادبیات در آثار قدیمی

قدیمی‌ترین آثار مکتوب به‌جای مانده و نخستین آثار بشر در بین اقوام و ملت‌های مختلف، سروده‌های دینی یا حماسی منظوم هستند، مانند: «گاتا»های **زردشت**، بخشی از **مزامیر داوود**، قصائد سلیمان، بخش‌هایی از «ودا»ها و «اوپانیشاد»های هندیان قدیم، «ایلیاد» هومر و حماسه‌های ملی چین و ژاپن. بعدها، **نثر**، پس از **شعر** و با گسترش دانش بشری در دوره‌های بعد، متداول شده است. اهمیت این مسئله، تا آن جاست که کلام خداوند در **قرآن مجید** نیز در دوره مکه (یعنی از آغاز بعثت تا سال سیزدهم)، از جنس شعر و مسجع و آهنگین است و نیز از این‌روست که قرآن و **اذان** و دعاها و مناجات‌ها هم برای این‌که تاثیر بیشتری بر دل و جان **مؤمنان** بگذارند، با صوت خوش خوانده می‌شوند.

ماهیت ادبیات

در ماهیت ادبیات، گفته شده که: ادبیات، عبارت است از آن‌گونه سخنانی که از حدّ سخنان عادی، برتر و والاتر بوده است و مردم، آن سخنان را در میان خود، ضبط و نقل کرده‌اند و از خواندن و شنیدن آنها دگرگون گشته و احساس غم و شادی یا لذت و آلم کرده‌اند.^[۱] شاعران، با لطف طبع و احساسات دقیق، و نویسندگان چیره دست، با قدرت‌اندیشه و نیروی تخیل و به‌کارگیری بدیع زبان، جلوه و معنای خاصی به کلام بخشیده‌اند و با نفوذ در فکر و جان خواننده، آنان را در غم‌ها و شادی‌های خود شریک کرده‌اند و گاه با ارائه آثار ادبی متنوعی چون: شعر و ترانه، فیلم‌نامه، داستان، رمان و نمایش‌نامه، علاوه بر عاطفه و احساس، آگاهی‌ها و افکار و تجربیات خود را نیز منتقل کرده و جامعه را همدل و متحد ساخته و موجب پیشرفت‌های بزرگ مادی و معنوی شده‌اند؛ بدین‌طریق، گاه چنان تاثیر ماندگاری به‌جا گذاشته‌اند که موجب دگرگونی و تعالی **اخلاق** و **فرهنگ** نسل‌ها شده‌اند.

رسالت ادبیات

تأثیرات عمیق و ارزشمند آثار خوب و سالم ادبی بر **جامعه**، بر هیچ‌کس پوشیده نیست و این آثار، با جامعه، پیوندی استوار دارند. ادبیات، به خاطر بیان و ترویج ارزش‌های اجتماعی و انسانی، برای کلّ جامعه بشری، مفید بوده است. رسالت ادبیات، آشنا کردن **انسان** با شیوه‌های زندگی بهتر و تلاش برای کمال و پیشرفت، از طریق **آموزش**، نقد و اصلاح‌گری، اتحاد، مهرورزی و هم‌دردی است و همواره بشر را به سوی آرمان‌های والاّی انسانی، **هدایت** کرده است. دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن می‌گوید: ادب (که در آغاز، به معنای رسم و آیین خوب زندگی کردن بود)، ادب فتنی (یعنی ایجاد آثار ادبی) را گسترش داد و در واقع، ادب نفس با ادب درس، پیوند گرفت و ادبیات، وسیله‌ای شناخته شد برای بهتر و زیباتر زندگی کردن.^[۲] ادبیات، همواره با اخلاق، پیوندی دیرینه داشته و بر مسئله مهم «**خودشناسی**» تاکید فراوان کرده است و از آنجا که در آموزه‌های اسلامی، خودشناسی، پایه و پیش نیاز **خداشناسی** معرفی شده است، (پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): آن‌کس **خدا** را می‌شناسد که خود را بشناسد.^[۳]) می‌توان به اهمیت و جایگاه ادبیات در رشد اخلاق و تقویت ارزش‌های اخلاقی و دینی بیشتر پی بُرد. تولستوی، هنر و ادبیات را از عالی‌ترین تجلیات جمال الهی و به‌وجود آورنده عالی‌ترین لذت‌های روحی و معنوی برای انسان، تعریف می‌کند.^[۴] نظامی (شاعر نامدار ایرانی)، شاعران را پیشرو و راهنمای عالم بشریت دانسته و مرتبه والاّیی به آنان نسبت داده و مقام آنان را پس از **پیامبران خدا** می‌داند و می‌گوید:

پیش و پستی یافت صفِ کبریا پس، شعرا باشد و پیش، انبیا.

کانت، شاعری را والاترین هنرها می‌پندارد و می‌گوید: شعر، غذای روح و فکر آدمی و آموزنده است.^[۵] در پایان، می‌توان چنین گفت که هنر و ادبیات، در تمامی اهداف و رسالت‌ها، دارای ویژگی‌های مشترک و یکسانی هستند و هیچ حدّ و مرزی، آنها را از هم جدا نمی‌کند و شاید بتوان گفت که در اصل، ادبیات، بخشی از هنر است؛ اما آن بخشی است که به‌خاطر گستردگی زیاد، تا حدّ **استقلال** یافته و در نهادهای رسمی آموزش (مدارس، دانشگاه‌ها و...)، جدا بررسی می‌شود، در حالی که از نظر ماهیت، (چنان که **ارسطو** تصریح کرده است) در شمار هنرهاست. ادبیات، هنر کلامی است، در برابر هنرهای دستی، تصویری - تجسمی، صوتی و...

۱. ادبیات چیست؟، ژان پل سارتر، مترجم: ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: کتاب زمان، ۱۳۷۰.
۲. معنی ادبیات، علیرضا حافظی، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۰.
۳. معنی زیبایی، اریک نیوتن، مترجم: پرویز مرزبان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
۴. معنی هنر، هربرت رید، مترجم: نجف دریا بندری، تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸.
۵. چشم‌اندازی از ادبیات و هنر، رنه ولک و آستین وارن و ادوارد مورگان فوستر، مترجم: غلامحسین یوسفی و محمدتقی (امیر) صدقیانی، تهران: معین، ۱۳۷۰.

پانویس

۱. ↑ عبدالحسین، زرین‌کوب، آشنایی با نقد ادبی، تهران: سخن، ۱۳۷۴، ص ۲۵.
۲. ↑ عبدالحسین، زرین‌کوب، آشنایی با نقد ادبی، ص ۱۴.
۳. ↑ غزالی، ابوحامد، کیمیای سعادت، تهران: حکمت، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۲۳.
۴. ↑ جی‌گریس، ویلیام، ادبیات و بازتاب آن، مترجم: بهروز غریب نژاد، تهران: سیما، ص ۱۵.
۵. ↑ طهماسبی، طغرل، موسیقی در ادبیات، تهران: رهام، ۱۳۸۰، ص ۴.

منبع

پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، برگرفته از مقاله «هنر چیست؟ ادبیات چیست؟»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۶/۴/۲۵. 